

ماموریتی دیگر از سوی

مرجع عالیقدر جهان تشیع

حضرت آیت اله العظمی خمینی در بیانی که بتاريخ بیست و هشتم دیماه ارسال شده ضمن اشاره به اعتصابات عمومی که در رجا "قدرت عمل را از شاه مخلوع و دولت های زیر فرمانش گرفته اند" خطاب به آقای دکتر پد الله سبحانه به ایشان ماموریت داده اند:

"بدین وسیله به جنابعالی ماموریت داده میشود که باتفاق جناب آقای حجت الاسلام اشیر محمد جواد باهنر و جناب آقای مهندس علی اکبر معین فرود و نفر دیگر که با مشورت آقایان تعیین خواهند کرد هیئتی برای تقویت و تدلیم اعتصاب تشکیلات دهید، این هیئت با کسب نظر و همکاری گروه های شرافتمند در حال اعتصاب تدابیر ترتیبیاتی اتخاذ نمایند که تاسقوط نهائی نظام استبدادی حاضر، اعتصاب بهاد رحمت ضرورت ادامه یافته برای ملت و مملکت در زمینه احتیاجات ضروری و گردش چرخهای اقتصاد و حفظ سربانی های انسانی و صنعتی با رعایت اهمیت فی الا هم فراهم آورد."

راه پیمائی ارجمین

در پاید خروشان از زنان و مردان عصیانگر و خشم زده و شادمان، بانمایرهای شگفت انگیز و نیا فی راه ربیت فرور برد هاست. روزهای که زمین سیاه خیابان هازیر سربیه کوبند و سیل راه پیمان و رود یوارهای خط خورد، گویا تراز خط هر خط ط چیره دستی با فریاد رسای آزاد یخواهی ملتی می لرزد، ملتی که غبار کدورت سالیان را بر چهره دارد و اکنون قاطع و مصمم بر آنست که به پیمائی شده پیروز شود.

"نمایش راه پیمائی ایرانیان" که تاکنون سه بار با فاصله مدتی کمتر از پنجاه روز نیا شاهدش بود بی تردید عظیم ترین، منظم ترین، باشکوه ترین و در عین حال انسانی ترین، از نوع خود بوده. سومین نمایش راه پیمائی، در یروز بدعوت جامعه روحانیت... بقیه در صفحه ۲

دشمن در کمین است

اینکه بدست آورد ه ایم پیروزی کامل تلقی نمیشود این مرحله گامی است در جهت عقب نشینی خصم. در لایل موجود بخصوص کشتار مردم از ندادی برافروخته، اهواز، قوی قوای مسلح ارتش شاهنشاهی! آنها هم مقرون با سفر شاهانه مبن آنستکه پیوند ها بر نهاد اصلی باقی است. آن نهاد در وزخ آساونژ حیم پیروزی از خون و اشک مردم مظلوم ایران سیرا سبیشد و از ناخن کشیدن، بدار آویختن، کور کردن، گوش بریدن، زبان کندن و مثله کردن جوان های مافذت می برد و مال و جان و عرض و ناموس هیچ رهگذر از دستبردش مصون نمیشود اینک چگونه میتواند هلهله شادی و پاید کوبی و شاد باش مردم در رهروی و برزن و هر شهر و روستا از شرق تا غرب بنگرد، او محیطی می خواهد آنگذ از سکوت و وحشت و پیرازگریه و خون و آمیخته با جراحت و زخم و طبیعی است که این افراد شکوفه های شادمانی و سرور مردم را در خون خفه میکنند و مادام که ریشه فساد بصورت کامل قطع نشده باشد و به جای نهاد های مسموم و زهر آگین موسسات ملی و د مکرانیک جایگزین نشود، این مناظر و وحشتناک هر روز تکرار خواهد شد و نمیتوان نهضت را به کمال رساند.

تکوین مراحل یک جهاد عمومی آنهم در این سطح و عمق و تا آن پایه بر جلال و پرطنطنه تنها کوبیدن یک پایه کافی نیست، باید تمام نهاد ها تخریب گردد و بجای آن سازمان های متناسب ایجاد شود، بخصوص اینکه ماد رسفرد و ورود راز تاریخی خود در رابتدائی ترین پلکان نهضت قرار گرفته و هنوز قادر نشده ایم بر نیروی دشمن تسلط کامل بیابیمو به عبارت صحیح تر انقلاب بر تمام شئون مسلط نیست و مقتدرترین اهرم همداد خارج از محیطه نفوذ نهضت قرار دارد.

تاریخ ایران در وگذرگاه شگرف، انقلاب مشروطیت و شهر پیوریست پشت سر گذارد ه و در و کمین گاه مخوف و وحشت انگیز، کودتاهای... بقیه در صفحه ۲

بقیه دشمن در...

زرخیز ما را بغارت و بیغما میبرد چگونه میتواند به آسانی دست از سر ما بردارد، ناگزیر باید قبول کنیم که نهضت ما با انواع حیل و نیرنگ سروکار دارد و اگر از طریق مسلسل و تانک نتوانستند موفق بشوند و یکپارچه ملت را قطعه قطعه کنند، از طریق اخلاص و تفرقه و تشتت به درون جنبش نفوذ میکنند و ما باید با آنها ثابت کنیم لیاقت و ارزش این همه فد اکاری را داشته ایم و تا حصول نتیجه و پیروزی قطعی جنبه متحد خویش را حفظ خواهیم کرد.

بقیه راه پیمائی...

و تا پید حضرت آیت اله العظمی خمینی و جنبه ملی و همراهی کلیه سازمانهای وابسته و غیر وابسته دیگر در تهران و کلیه شهرهای بزرگ و کوچک و حتی روستاها ترتیب یافت.

تهران، سرتاسر خیابان شاهرضا و پیاده رویهایش در زبیر گام استوار و پیویای مردان و زنان می لرزید، پیر و جوان، کوچک و بزرگ، هر کس که توان داشت بعنوان فریضه ای مذهبی و وظیفه ای ملی در این نمایش شرکت کرد، همه از ژرفای قلبشان با زتاب بیست و پنج سال ستم که بر آنها رفته فریاد میزدند. تصویر حضرت آیت الله العظمی خمینی در راند ازه های گوناگون انسان که بخش بزرگی از سطح خیابان رامی گرفت، همه جا بچشم می خورد. اگر در طلوع آزادی، جای شهید خالی بود، در دعوی یادشان، خونیه که هرگز به هدر نرفت، با اشک چشمان مهربان و نگاه سپاسگر هرزه روی در آمیخته بود. گرچه هیچ نیازی به این نبود تا با حمل تصاویر شهدا و رگد شتگان بنا میادشان را گرامی بد آرند، چه، ملت قد رشناس ایران، قدر و منزلت همه ی شهدا و رهبران پیشین خود را می شناسد، اما برای شناساندن آنها به نسل جوان، نسلی که در دستگاه سلطنتی غیرقانونی و مستبد سالیان دراز کوشید تا او را از همه ی حقایق ملتش بی خبر نگاهدارد، تصاویر دیگر دکتر محمد مصدق پیشوای درگذشته ملت، این لرزان کنند، پایه های تخت استعمار در شرق، تصویر کتیر حسین فاطمی، شهیدی که بگفته، دکتر مصدق: حتی یک ترک اولی هم از او مشا هده نشد، تصویر سایر شهدای نهضت ملت ایران، فراوان به همراه شعارهایی با جمعیت در حرکت بود.

راه پیمایان، شعارهایی شعرگونه و بزرگواران سردسته خود می خواندند. هر کس خود نگهدار نظم بود و بر راستی

۱۲۹۶ و ۱۳۲۲ سقوط کرده و از هر کدام در معیار یک دوران تاریخی در عبرت آموخته و از نتایج شوم آنها بهره ها برد و آموده و آبدیده شده بود و ست و همچنین سنگر بزرگ خصم را به نیکی تشخیص داد و است در انقلاب مشروطیت با تعامد اکاری و همت و عمق اجتماعی آن تنها قابل استبداد را تغییر داد و محتوای نال مسابق بهمان صورت در ریبیک مشروطیت حلول کرد و چنانکه بدیم عین الدوله ها، صارم الدوله ها، وثوق الدوله ها و قوام السلطنه ها همان سردمداران استبداد بر جریان وجهت آزادی مسلط شدند. استحالته شهر یوربیست نیز قبل از آنکه باراد، و تصمیم منوط باشد به یک قسوی اشغالگر تعلق داشت و آنچه با مصالح و مناسبات سیاسی و جنگی قشون مهاجم در رابطه بود در روابط اجتماعی آنها بصورت سطحی و محدود اثر گذاشت. باین ترتیب که پدری از تخت سلطنت پائین کشیدند و پسرش بجای او نشاندند و الا تمام نهاد های اجتماعی دست نخورده و بی کرباقی ماند. مجلس همان مجلس و دولت و سازمان های دولتی با مختصات زمان در یکتاتوری بجای گذاشته شد و افرادی چون فروغی و سهیلی و ساعد و قوام و حکیمی، بازیگران دوران رضاشاهی زمامدار کشور بودند و بقیه مسائل نوظهور مانند آزادی های موقت و زودگذر احزاب و مطبوعات، رها کردن زندانی های سیاسی و تطبیق املاک شاه به دولت صرفاً در جهت اغفال و سرگرمی ملت و اینکه هجوم غیر انسانی خود و انهدام سازمان اقتصاد و نظامی ایران را به نحوی مردم پسند توجیه و بمنظور جلوگیری از ابراز بغض و نفرت ملت بود و بعد ها که مسائل مربوط به جنگ با شکست آلمان بر طرف گردید با توافق سیاست متحد انگلو امریکن جهات مختلف برای ایجاد د یکتاتوری مهیا گردید، احزاب و مطبوعات بسته شد، آزادی ها برچیده شد و املاک دوباره به شاه برگردانید شد و ظلمت و استبداد افق تا افق را فراگرفت. اینک نیز ما به تحول نپسند دست یافته ایم و ریشه های نیرومند سرطان استبداد در جسم و جان جامعه برقرار است مضافاً سیاست دوگانه استعمار و امپریالیزم باد و بیست سال سابقه تسلط که بسیاری از حوادث تاریخی ایران را زیر جاذبه گرفته و مجهز به شبکه های جاسوسی وسیع و گسترده بود و بخاندان های خدمتگزار، نسل به نسل تربیت کرده و شوکت الملک ها و علم ها نمونه تربیت آن هستند و اینک بر نیرومندترین نهاد اجرایی یعنی ارتش سلطه افکنده و سالهاست که مناسبت

صف شکنی، خیانت به نهضت است

می توان گفت که هیچ رویدادی ناگوار یا هیچ شعاری بیرون از چهارچوب شعارهای اساسی تعیین شده داد نشده . رشد ، آگاهی ، همبستگی ، درایت و اینکه ایرانی این نهضت را از خود میدانند و نگاهبان نظم و پاسدار موجودیت آن است چشمگیر و نمایان بود .

شرکت هم میهنان زرتشتی ، ارمنی ، و جامعه روشنفکران یهودی که شعارها و پلاکارد هایشان بیانگر همبستگی این گروهها با مبارزات ملت ایران بود . شرکت گروههای اقلیت و اعلام همبستگی آنها به نهضت بیانگران واقعیت است که آنان نیز طی سالیان دراز از پیداد استبداد و استعمار رنج ها بردند .

ورزشکاران یکی دیگر از گروههای شرکتکننده بودند که تصویر بزرگ روانشاد تختی ، جهان پهلوان آزاد ، و مبارز راد ریشاپیش صفوف خود حرکت میدادند و این نمایش بزرگ که یکبار دیگر مورد شکفتی جهانیان ، جهانیانی که اکنون عمق ، عظمت و هدفهای نهضت بزرگ ملت ایران را کم و بیش شناخته اند قرار گرفت و در رهبریک از شهرهای بزرگ و کوچک ایران به همراه نظم یکپارچگی و گستردگی هر چه تمامتر برگزار شد .

پاسداری بگرمی خورشید

برغم کوشش دستگاه در هم ریخته و سرد رگم استبداد که می کوشد بگونه های مختلف صفحه متحد مردم بپا خاسته را بشکند و پیروزی را که در مالغ آن هستیم خدشه بزند و آیند و راتیره کند ، هر روز گروه تازه ای به مردم بپا خاسته می پیوندند و همبستگی از عمق و اصالت و آگاهی بیشتری برخوردار می گردد . پیام دلاورانه همافران نیروی هوایی و پیوستن آنها به نهضت یکی از امید آفرین و درخشان ترین آنهاست . این شجاعان در حالیکه در اعتصاب غذا ایسر می برند اعلام داشته اند "مزدوران استعمار باید بدانند که اعمال ننگینشان ، چه بصورت تفرقه افکنی (کشتن همافران و وانمود کردن به اینکه توسط مردم بقتل رسیده اند) ، زورگویی (به زندان افکندن و شکنجه کردن همافران مبارز و روشنفکر) ،

حیله گری (انجام سخنرانی های فرمایشی و افزودن به حقوق ماهیانه) نخواهند توانست در راه ماکه راه همافران شهید در سالیان گذشته (بخصوص در دو ماه گذشته) است خللی وارد آورند . اکنون پایگاه شاهرخی در محاصره نیروی زمینی است و خطر این مبارزان را تهدید می کند ، با اینهمه استوار بر سر آنچه طلب کردند ایستاد ماندند .

همه این :

سرما کمی در یرولی سرانجام رسید و با کمبود نفت که امید رفع آن بسیار است سلامت کودکان و پیران تهدید می شود .

در مصرف نفت همانگونه که تا بحال بزرگواران صرفه جوئی کرده های از این پس نیز پیش از آنکه به خود و خانواده ات بیندیشی ، به همسایه های نگران بیماری سخت حال است و یانست و زادی دارد بیندیش .

گروه سیاسی جنبش

در این هنگامه سرنوشت ساز که مردم همیمن بیش از هر زمان دیگر نیاز به تشکل دارند ، اعلام موجودیت گروه سیاسی جنبش بگونه حرکتی سازمانی و نظم یافته امید آفرین است .

باشد که این نیازمندی و تاریخی راهمگان احساس نمایند .

سخنرانی

بدعت مهندسان و تکنیسین ها و کارمندان اداره کسل مخایرات استان اصفهان در روز بیست و هفتم در ماه آقای دکتر احمد قیصری عضو شورای جبهه ملی ایران در اصفهان ، در رگد همائی آنان که با شرکت بیش از دو هزارتن بود سخنرانی کرد . آقای دکتر قیصری در این سخنرانی موقعیت خطیر کشور را توجیه و رسالت و مسئولیت بزرگ مبارزان را یاد آوری کرد .

پاسداران شب

جوانان آزایخواه و استقلال طلب ، این شیفتگان پر شور هر روز بانواوری های خود ما را بیشتر به عجب و امید آرند . یکروز به یاری رفتگران و برای حفاظت محیط زیست به میدان نبرد می آیند و روز دیگر به یاری خانواده هاد رتبه مواد سوختی پیامی خیزند و امروز پاسداران واقعی شهر برای دامن نگه داشتن آن از هجوم جماعتداران و قد اره بند های عربده جو .

توانا تر بیاد این دستهای یاری دهنده ، گستردن تر بیاد این اندیشه های انسانی و پر شور تر بیاد این تپش های جوانی .

این پاسداران در بخشهای از زمین بیانیه خود چنین نوشته اند : "ما که با بیانیه شماره یک اعلام موجودیت کردیم بدینوسیله نظرات خود را پیرو بیانیه قبلی اعلام میداریم : ۱- پاسداران شب در صورت احساس خطر بقیه در صفحه ۴

گسترده باد همبستگی ملی

تهدید کودگانه

استقبال پرشور مردم هرمزگان از جبهه ملی ایران در شملت و مخالفین اتحاد و یکپارچگی را به هراس افکنده و آنان را به اعمال خلاف واداشته است.

ما که در سالهای سیاه استبدادی به مبارزه خود ادامه دادیم و با وجود سفاکیهای رژیم دست از مبارزه برنهداشتیم از این به بعد با اینگونه تهدیدها نیز از میدان بدر نخواهیم رفت و تا هر زمان که خدمت ما به ملت ایران و مردم استان مفید باشد بی هراس از تهدیدها مبارزه خود را ادامه خواهیم داد.

کمیته موقت جبهه ملی استان هرمزگان

اعلامیه

ما کارکنان خطوط لوله و مخابرات شرکت ملی نفت ایران، تا سیستاری طبق دستور امام خمینی و هیئت اعزامی ایشان برای رفاه هرچه بیشتر خلق مسلمانان ایران از تاریخ ۱۴/۱۰/۵۷ با سعی و کوشش فراوان شروع بکار نمودیم ولی از آنجاکه هدف دست اندرکاران حکومت غاصب این است که هرچه بیشتر مردم را در صف های طولانی تسرب نگهدارد تا بتواند مقاصد پلید خود را اجرانماید، با کارشکنی های مداوم توسط تعدادی از عمال شناخته شده خود با توطئه در امر نفت رسانی و جلوگیری از برداشت حقوق کارکنان (حدود چهارماه) و بازداشت های غیرقانونی کارگران و ایجاد سد های مصنوعی جلوی افراد میخواستند تا کارگران زحمتکش این قسمت را وادار به اعتصاب ناخواسته نمایند.

لذا بدین وسیله مراتب فوق را جهت آگاهی ملت شریف ایران به استحضار میرساند.

کارکنان خطوط لوله و مخابرات شرکت ملی نفت ایران تا سیستاری.

تخصیص

گروهی از دانشجویان مسلمان دانشگاه های بنوان اعتراضی به روزنامه کیهان نسبت به رعایت نشدن موازین بیطرفی در نشر حقایق از صبح روز شنبه سی ام دیماه در محل آن روزنامه متحصن شدند.

بقیه پاسداران...

و مشاهده اشعار با تکبیر "الله اکبر" تقاضای کمک خواهند کرد. ۳ - مؤکداً اعلام میداریم که با ارتش ملی خود هیچگونه تضادی نداریم.

عملیات حفاظتی تا پیروزی نهائی ادامه دارد.

"برق را بر سر اسباب انقلاب ملی"

در خوی

پس از راه پیمائی پرشکوه مردم خوی و قرائت قطعنامه هنگامی که زن و مرد میرفتند تا راهی خانه شوند جماعتی را بگونه نیروهای شیالائی بر سر مردم ریختند و نظامیان با تانک و توپ و تجهیزات جنگی به حمایت از آنها شروع به تیراندازی و کشتار کردند.

در جریان این هجوم وحشیانه، شمار بسیاری از مردم زخمی شدند و شیخ خزری روحانی مورد احترام مردم شهر بشهادت میرسد. مهاجمان همه راههای شهر را سد می کنند و هرگونه رفت و آمدی را زیر کنترل می گیرند. گفته می شود لیراج و فرمانده این هجوم تا تا رگونه تیسار و رهمسرام بوده است.

کناره گیری

در تاریخ چهاردهم آبانماه آقای دکتر کیومرث افشار این نامه را به معاونت ریوی وزارت بهداشت نوشتند: "باتوجه به اوضاع و احوال ایجاد شده توسط دولت رژیم حاکم و چون کارکردن برای چنین هیئت حاکمه ای در شغلی که هم اکنون در آن منافی با آرمان های وطن پرستانه ایرانی میهن پرستی است و بعنوان اعتراضی به رژیم حاکم بر مملکت استعفای خود را از شغل کنونی تقدیم و اعلام میدارم بعنوان یک دندان پزشک حاضر در بیمارستان خود مدت در هر یک از درمانگاهها و در خدمت هم میهنانم میباشم و در صورتی که وزارت متبوعه احتیاج به دندان پزشک نداشته باشد باکمال افتخار در سنگری دیگری بگریه میهن خود خدمت خواهم کرد و امیدوارم کلیه مدیران و افراد شرافتمند وزارت بهداشتی و بهداشتی نیز به من تاسی جویند."

دست بردار

سازمان ملی انتقال خون ایران در اعلامیه ای که بتاريخ سی ام دیماه منتشر شد ضمن محکوم کردن یورترگروهی درجه دار لجام گسیخته به مرکز سازمان ملی انتقال خون ایران در اهواز نوشتهاست: "این عده ابتدائی ترین اصول اخلاقی را مبنی بر عدم حمله به مراکز پزشکی که حتی بین کشورهای در حال جنگ نیز رعایت می شود زیر پا گذاشته و به این عمل غیر انسانی میبادرت کرده و باعث اختلال کارخون رسانی به بیمارستان های اهواز که شدیداً به خون نیاز داشته گردیدند."

خبرنامه: روسیاهنی جاودان و نسفرت همیشگی نسا را استبداد بیان باد.

دروغ مردم ملت به اعتصاب کنندگان در ویران پیکاهای
وحشی و شاه رخی